

نماز جمعه 26 تیر ماه آینه تمام نمای آیت الله هاشمی رفسنجانی

آقای هاشمی رفسنجانی چهره شاخص در حکومت اسلامی با ویژگی های متفاوتی شناخته می شود :

از یکطرف سردار سازندگی ؛ امیر کبیر ایران ؛ مرد بحران ؛ فرمانده دوران جنگ و تشکیل دهنده سپاه و بسیج ؛ مرکز تعادل حکومت اسلامی ؛ فرد پشت صحنه تمامی اتفاقات مهم ؛ سیاستمدار توانمند ؛ ستون نظام ؛ استراتژیست ؛ سخنوری توانا ؛ تعیین کننده رهبری پس از رحلت آیت الله خمینی و ...

و از طرف دیگر : از بزرگترین سرمایه داران ؛ فساد گسترده مالی خانوادگی و نزدیکان ؛ تلاش ادغام ایران در سرمایه داری جهانی و دارای زد و بندهای فراوان ؛ عامل گسترش اختلاف طبقاتی ؛ فساد و فقر ؛ عامل اصلی در کشتار و سرکوب و حذف مخالفین و حذف دگر اندیشان و ترور آنها در داخل و خارج از کشور و ..

بی شک کسانی که دوران سی ساله حکومت اسلامی را بدقت تجربه و یا مطالعه و تحلیل کرده باشند دارای برداشت و شناخت منسجمی در هر یک از خصوصیات ذکر شده هستند ؛ و ایشان همانند آیت الله خمینی با دو نگاه متضاد ارزیابی می شود

تلاش می کنیم که ایشان را از متن **خطبه های نماز جمعه 26 تیر ماه ایشان شناسائی نماییم** و از پیش داوری می پرهیزیم ؛ هر چند می توانیم عنصر تعیین کنندگی ؛ استراتژیک و ستون اصلی نظام بودن و اینکه در پشت صحنه تأثیر تعیین کننده ای داشته است را از قبل بپذیریم .

آقای رفسنجانی در روز جمعه با شیوه و روشی اصولی - فعلا با درست و یا غلط بودن ماهیت موضوع کاری نداریم - به جریانات اخیر پرداخت ؛ یعنی ابتدا مبانی نظری و پایه های فکری حکومت اسلامی را تشریح کرد و سپس به فرایند تشکیل نظام جمهوری اسلامی بر اساس آن ؛ مبانی فکری و موفقیت های نظام در سی سال اخیر و سپس به بررسی جریانات اخیر و اتفاقات ناگوار و بحران زا از بیست و دوم خرداد ماه 88 بعد پرداخت و در نهایت راه حل برون رفت از بحران را نشان داد و لذا نقد و بررسی انجام شده ؛ در درجه اول به اصول و مبانی حکومت اسلام سیاسی ؛ بالخص در دوره اخیر یعنی مقطع سال 57 بر می گردد و در جایی که گفتار ایشان با حقایق تاریخی و مبانی پایه ای و یا با نظرات آیت الله خمینی در تضاد بود طبیعتاً چون آقای رفسنجانی مقلد و شاگرد آن زعیم بوده است و دوره های فقهی را تا مرجعیت نگذرانده ؛ ملاک نظرات آیت الله خمینی و نه ادعاهای شخصی آقای هاشمی خواهد بود . توضیح اینکه در این مقاله هر جا در مورد دین صحبت شد منظور نه با تعبیر عصری ؛ حداقلی و مترقی بلکه بر مبنای فقهی و اسلام سیاسی مد نظر می باشد . فشرده نظرات آقای هاشمی را می توان در سه عنوان تقسیم بندی نمود

بخش اول : بررسی و تحلیل خطبه های نماز جمعه 26 خرداد :

مبانی نظری : 1- حکومت می بایست دینی باشد در غیر اینصورت انسان ها طغیان می کنند و اگر خداوند نعمت را به مردم اعطا نمی کرد ؛ آنها در لبه گودال جهنم بودند **2-** حکومت دینی قوی ترین مکتب انسانی جهان است تا ابد نیز به اداره تمامی جهان خواهد پرداخت **3-** دین حکومتی بر اساس الفت و نه زور و قدرت برقرار شده است **4-** حکومت در صدر اسلام هم بر مبنای اسلامیت و جمهوریت بوده است و مردم اصل هستند **5-** صحنه گذاشتن بر تمامی عملکرد دوران جمهوری اسلامی و پذیرش کامل قوانین ؛ از جمله : آن رقابتی که چهار نفر از افرادی که از نظر شورای نگهبان صالح تشخیص داده شده بودند خوب انجام شد و مردم به آزادی در انتخابات امیدوار شدند

علل بحران های موجود : اگر مشکلات بعد از انتخابات پیش نمی آمد در 30 سالگی مان در جهت تحقق اصول اساسی اسلام گام بر می داشتیم و می توانستیم سر بلند ترین شرایط را در دنیا داشته باشیم **2-** تبلیغات نادرست و عمل نادرست صدا و سیما بذل تردید در دل مردم بوجود آید که مثل خوره بجان ما افتاده است **3-** شورای نگهبان از فرصتی که رهبری برای حل بحران داد استفاده نکرد **4-** تلاش در وحدت برای حفظ ارزش های انقلاب

راهکارهای حل بحران ها : 1- برگرداندن اعتماد از طریق بازگشت به قانون 2- همه اطرافیان این مسئله [خودی ها و مقامات] حرف های خود را بدون دعوا و با منطق بزنند 3- آزاد شدن زندانیان انتخابات ؛ زیرا دشمنان به ما می خندند 4- دلجوئی از آسیب دیدگان جهت جذب وفاداران انقلاب

بخش دوم : شرایط کنونی ایران : مردم ایران در بیش از یکصد سال اخیر به دو انقلاب و چندین قیام و خیزش برای تحقق مطالبات تاریخی خود دست زده اند مبارزات ؛ قیام ها و خیزش های مردم ایران از دوران تنباکو و انقلاب مشروطه ؛ جنبش جنگل ؛ قیام ملیت ها ؛ نهضت ملی کردن صنعت نفت ؛ قیام سال های 39 تا 42 و انقلاب بهمن 57 ؛ جنبش اصلاح طلبی 76 و قیام خرداد 88 درهمگی آنها مردم دارای خواست ها و مطالباتی تاریخی و ریشه ای بوده و برای آنها جانفشانی کرده اند و محورهای عمده اهداف و مطالبات در عرصه های مختلف اجتماعی ؛ فرهنگی ؛ سیاسی و اقتصادی بشرح ذیل است :

عرصه اجتماعی و سیاسی : نفی دیکتاتوری و استبداد سالاری و کسب آزادی های اجتماعی و سیاسی ؛ پاسخگو نمودن تمامی ارکان قدرت و اعمال کنترل مردم بر آن ؛ اعمال اراده مستقیم و انتخابی کردن ارکان حکومتی ؛ برقراری دموکراسی ؛ آزادی بیان ؛ اجتماعات ؛ مطبوعات ؛ حق تشکل های صنفی و سیاسی و شوراهای مردمی ؛ رفع کامل تبعیض های جنسیتی بین زن و مرد ؛ ملیت ها و تبعیض های مذهبی ؛ ایجاد آزادی های اجتماعی ؛ و در

عرصه اقتصادی : تحقق عدالت اجتماعی و نفی رانت ها و سود های بادآورده ؛ نفی استثمار و بهره کشی ؛ ایجاد یک زندگی شرافتمندانه با تحقق آموزش رایگان در تمامی سطوح و بهداشت رایگان ؛ مسکن مناسب همگانی و غیرو

هر چند مبارزات و جانفشانی های مردم ایران حاکمین را مجبور به اجرا و تحقق بسیاری از خواست ها نموده و به تجمیع مطالبات و تجربیات حاصل از این مبارزات منجر شده است و حتی در منطقه راهنمای مبارزات از هند تا مصر گردید؛ اما متأسفانه این نتایج و دستاوردها بصورت نهادها و قوانین اجتماعی تحقق نیافته است مبارزات عظیم و پرشور انقلاب 22 بهمن سال 57 با بزیر کشیدن خشن ترین دیکتاتوری و استبداد وبا خواست های عدالت اجتماعی تنها به جایگزینی **شخص** شاه با ولی فقیه منجر شد و سلطنت که در قانون اساسی قبل (تدوین انقلاب مشروطه) بصورت نمادین وجود داشت و شاه طبق قانون حق حکومت نداشت در قانون اساسی جدید در متن قانون اساسی در بسیاری از اصول قانون تمامی حقوق و آزادی های مردمی را سلب و **سلطنت مطلقه** با بیشترین اختیارات و بدون مسئولیت و پاسخگویی نهادینه شده است و از آن بالاتر ولی فقیه چون مشروعیتش را از مردم نمی گیرد فرا قانونی است و بقول آیت الله خمینی : فتوای ولی فقیه و حفظ نظام بر هر قانونی مقدم است ایشان می گوید " حکومت که شعبه از ولایت فقیه رسول الله (ص) است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند .. **حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند** و می تواند هر امری چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است ؛ از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند " (صحیفه نور جلد 20 ص 180) - برخی از نظریه پردازان مشهور تا آنجا پیش رفتند که حکومت می تواند اصل توحید را نیز تعطیل کند (رسالت 68/4/19) . یعنی در نظام دینی ولی فقیه می تواند برای حفظ نظام ؛ کل قانون اساسی و یا همه آزادی ها را هم تعطیل کند .

برای شکست مردمی که در انقلاب 57 به صحنه مبارزه اجتماعی و سیاسی روی آورده بودند و برای نهادینه کردن نظام ولایت فقیه که در رفراندوم جمهوری اسلامی و حتی تا پیش نویس قانون اساسی اول هیچگونه اسمی از آن در میان نبود نیاز به کودتا پشت کودتا و ایجاد بحران پشت بحران بود ؛ در ابتدا با زندان و شلاق و شکنجه و اعدام بدنه و کادرهای نظامی و حتی اداری حکومت پهلوی سرکوب و خشونت نهادینه گردید و سپس حمله به سازمان ها و احزاب مخالف شروع به حذف و قلع و قمع آنها نمودند تا جاییکه اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی و مهندس سحابی عضو شورای انقلاب و رئیس سازمان برنامه و بودجه ربوده و اعدام نمایشی شدند در تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گیری ؛ یک بحران سیاسی و اجتماعی که تبعات اقتصادی نیز همراه آن بود بوجود آمد و کشور ما و کل منطقه به گروگان آمریکا درآمد و قراردادهای نظامی ؛ اقتصادی و امنیتی آمریکا با کشورهای منطقه وارد فاز جدیدی شد همچنین آمریکا توانست رسماً در خلیج فارس حضور نظامی پیدا کند . پس از این مرحله سیاست جنگ طلبی که در ذات نظام دین سیاسی

است عملاً تحقق یافت و بهترین نعمت ها و هدایا را به حاکمان پیش کش کرد. آیت الله خمینی و مابقی سران حکومت از جنگ بعنوان یک نعمت و هدیه یاد کردند و بشدت از فضای ایجاد شده برای سرکوب نسل مبارز و انقلاب کرده استفاده نمودند؛ در پایان جنگ کشتار وسیع زندانیان سیاسی در سال 67 آغاز شد و ظرف مدت کمتر از دو هفته بیش از پنج هزار زندانی را که برخی مدت محکومیتشان تمام شده بود و برخی بر طبق قوانین جمهوری اسلامی حکم گرفته و در حال اتمام بود اعدام شدند و جوخه های کشتار؛ شکنجه؛ ترور و اعدام لحظه ای متوقف نگردید؛ پس از آن حکم قتل سلمان رشدی و حادثه مکه و صدور انقلاب و نهایتاً مسابقه تسلیحاتی و غنی سازی هسته ای در دستور کار قرار گرفت و این سیاست ها و روند ها تا به امروز لحظه ای قطع نشده و با سیاست های کثیف هسته ای و جنگ طلبی در خارج؛ سیاست قلع و قمع در داخل نیز همزمان به پیش می رود و آخرین کودتای حکومتی نیز در خرداد 88 به مرحله اجرا در آمد؛ در این راستا آقای هاشمی در پرده آخر کودتا با رضایت و مجوز ولی فقیه به نماز جمعه رهسپار گردید تا فضا را تلطیف کند و باید با دقت هر چه تمامتر بررسی نماییم که او در این نماز جمعه چه چیزی به مردم داد و چه چیزی از مردم خواست و تلاش کرد مقاومت را به چه مسیری بیندازد و آیا عاقبت موفق شد و یا همانند نماز جمعه 29 خرداد خود ولی فقیه تیرش به خطا رفت.

نماز جمعه همانطور که خطیب قبل از امام جمعه تشریح کرد در سی سال گذشته بعنوان اولین پایگاه ارتباط مستقیم یکطرفه حاکمیت با مردم بوده و توجیه کننده تمامی و مطلق عملکرد حکومتیان و آماده سازی فضای جامعه برای توطئه ها و سرکوب مبارزین و مردم بوده است بطوریکه همواره فضای مخوفی در اطراف آن برقرار بوده است و مخالفین را هیچگاه راهی به آن نبود؛ و تنها پس از سی سال از شروع آن؛ صدای مردم آزاده و مبارز و نه مقلدین و حامی ولی فقیه شنیده شد که در نوع خود بی سابقه و تاریخی بود و نشان داد که اراده مردم متحد و یکپارچه می تواند محکمترین سنگر حکومت را نیز فتح و شعارها و مطالبات خود را مطرح کند.

بخش سوم: بررسی مفاهیم خطبه نماز جمعه

حکومت دینی:

آقای هاشمی معتقد به حکومت دینی و قانونگذاری و تربیت انسان ها از طرف خداست ایشان اظهار نمود " پیامبر مبانی جامعه مدنی خود را بر احکام الهی به تربیت مردم بر اساس آن قرار داده بودند " و با اشاره به آیاتی از کلام الله مجید اخطار می کند انسان ها با احساس بی نیازی؛ اهل طغیان می شوند " آیت الله خمینی و کل معتقدان به اسلام سیاسی نیز معتقد به برقراری حکومت دینی هستند و هر حکومتی غیر آنرا فاسد می دانند آیت الله خمینی می گوید: " غیر از حکم خدا و کسی که خدا تعیین کرده هیچ حکمی را بشر نباید بپذیرد " (کشف الاسرار ص 181) در باز می گوید: " کسی جز خدا حق حکومت بر کسی را ندارد و حق قانونگذاری نیز ندارد و خدا به حکم عقل باید خود برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند؛ اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده و این قانون برای همه و برای همیشه است و اما حکومت در زمان پیغمبر و امام با خود آنها است که خدا با نص قرآن اطاعت آنها را به همه بشر واجب کرده و در این زمان حکومت و ولایت با فقهاست " (کشف الاسرار صص 184-185) باز می فرماید: " اگر چنانچه فقیه در کار نباشد طاغوت است؛ یا خدا یا طاغوت اگر با امر خدا نباشد.. اگر رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد غیر مشروع است وقتی غیر مشروع شد طاغوت است اطاعت او اطاعت طاغوت است... ولایت فقیه تبع اسلام است... کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند.. و کالت ندارند اگر حرفی بزنید که بر خلاف مصالح اسلام باشد و کیل نیستید حرفتان مقبول نیست ما به دیوار می زنیم آن حرفی را که بر خلاف مصالح اسلام باشد کسانی که می گویند ولایت فقیه تشریفاتی باشد و دخالت نکند اگر متوجه به این معنی باشند مرتد می شوند " (صحیفه امام جلد 10 صص 222-216) آیت الله خمینی: " فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است که نمایندگان مردم و یا شاه؛ به قانون پردازی می پردازند ولی در اسلام شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقتنه است. (ولایت فقیه ص 52) و باز می فرماید: " مقصود پیغمبرها این نبود که دنیا را بگیرند و آبادش کنند مقصود این بوده که راه را به این اهل دنیا به این انسان ظلم [بسیار ستمکار] و جهول؛ بسیار جاهل راه را نشان دهند..... آنطرفش ماوراء و ماوراء آن طرف نور مطلق؛ انبیاء آمدند ما را به آن نور برسانند " (صحیفه امام ج 13 ص 34) آیت الله خمینی: " اسلام کشور گشایی نمی کند؛ اسلام می خواهد کشورها آدم بشوند؛ در یک

جنگی [در صدر اسلام] وقتی اسیر کرده بودند یک عده را به حسب تاریخ هست اینها را بسته بودند و داشتند می آوردند رسول اکرم گفت بین **من باید این عده را با زنجیر به بهشت ببرم** [یعنی افرادی را که اسیر و با زنجیر بسته بودند با دست پیغمبر کشته شدند] اسلام برای اصلاح جامعه است؛ اگر شمشیر کشیده؛ شمشیر را برای این کشیده است که مفسده هایی را که نمی گذارند این جامعه اصلاح بشود از بین ببرد تا جامعه اصلاح شود" (صحیفه امام ج 10 ص 449) آقای خمینی می گوید "منحرفین یک دسته معاند سرسخت اند که اصلاح شدنی نیستند؛ اینها مثل سرطان می مانند که باید با جراحی اصلاح شوند" (صحیفه امام ج 15 ص 43) آیت الله خمینی: "اسلام از خدا می خواهد که شما بر همه مقدرات عالم حکومت کنید. اسلام آن بود که شمشیر را کشید و تقریباً نصف دنیا و یا بیشتر را گرفت؛ این اسلام مرتجع است؟..... همین که [برخی ممالک] به حسب ظاهر به احکام عمل کردند همچو قدرتی پیدا کردند که یک بیست و چند هزار جمعیت عرب؛ این مملکت به این وسیعی [ایران] را همچو پا مال کرد و رفت تا آخر برای اینکه متمدنش کند" (صحیفه امام ج 1 ص 295) امام در مورد مخالفین می فرماید "این اشخاص که هستند تصفیه بشوند و از مملکت خارج بشوند یا به جزای خودشان برسند راه حل دیگری ندارد" (صحیفه امام ج 7 ص 48) و در جای دیگر "قرآن با اشخاصی مسلمند معتقدند.... با اشخاصی که بر خلاف این هستند آنها را می گوید بکشید؛ بزنید؛ حبس کنید.. امیر المؤمنین اگر بنا بود که هی مسامحه کند شمشیر نمی کشید هفتصد نفر را یک دفعه بکشد" (صحیفه امام ج 19 ص 139) نتیجتاً اینکه حکومت دینی سیاسی بر مبنای شمشیر؛ زور؛ کشتار مفهوم دارد و به همین لحاظ است که در دنیای جدید دین امری شخصی تلقی شده و با دولت هیچگونه رابطه ای ندارد و رابطه انسان با انسان و طبیعت می بایست بطور مستقیم و بی واسطه و نه از طریق دین و یا دولت برقرار شود.

وقتی امام امت؛ نماینده خدا؛ ولی فقیه و مرجع تقلید بطور علنی تا محدوده های نهضت آزادی را مرتد و عمال آمریکا و خائن می نامد دیگر باید دانست که در درون زندانها چه جهنمی بر پاست 150 نفر در یک تظاهرات و همانروز 57 نفر آنها به جوخه های اعدام سپرده شدند (روزنامه جمهوری اسلامی 60/7/7). با توجه به ساعت دستگیری؛ و زمان مورد نیاز برای انتقال به مراکز انتظامی و سپس انتقال به زندان اوین؛ و اعدام که کلاً کمتر از 4 یا 5 ساعت بطول کشیده و واضح است حتی فرصت بردن این افراد به دادگاه و برگشت آنها وجود نداشته یعنی پس از دستگیری بلافاصله اعدام شده اند با جان بهترین فرزندان این مرز و بوم اینگونه رفتار شده است. دادگاه ها بدون هیأت منصفه؛ بدون وکیل؛ بدون ناظر و حضور خانواده؛ بدون امکان دفاع متهم؛ بدون مطبوعات آزاد؛ بدون آزادی بیان؛ آزادی تجمع و اعتراض؛ بازرس و قاضی بوده و اگر حامی و حتی وکیلی اقدام به پیگیری می نمود؛ خود بعنوان مجرم و مرتد در برابر جوخه اعدام قرار می گرفت.

حکومت دینی نیز دارای قوانین؛ احکام و... است و تمامی ارزش ها به عالم مقدسات وابسته است و مقولاتی مانند حقوق و ارزش کرامت انسانی؛ دموکراسی؛ آزادی؛ جمهوریت؛ ملیت؛ جامعه مدنی؛ احزاب؛ عقلانیت؛ قانون گذاری؛ کثرت گرایی؛ انقلاب؛ مردم سالاری و غیره... مربوط به مقولات نوین تمدن بشری است و در ایران کمتر از یکصد سال و در اروپا از قرن 15 میلادی و بصورت مرحله ای جزو فرهنگ و زبان بشری در آمده است و لذا کاربرد این مقولات و مفاهیم در دوره های پیشین و ما قبل مدرن بخصوص دوران عشیرتی؛ قبیله ای آنها در صحرای عربستان بی محتوای و بی مفهوم است و سلسه مراتب تقدس روحانی و مؤمن و پیرو دیگر ادیان دیگر؛ تبعیض های بین زن و مرد سلسه مراتب روحانی و عامی امور ثابت و تعیین شده ای است؛ برای هر یک از مصادیق ذکر شده گفتاری از آیت الله خمینی ذکر می گردد تا نشان داده شود که مقولات و مفاهیم نو؛ ارتباطی با حکومت دینی سیاسی ندارند:

آزادی و استقلال: آیت الله خمینی می گوید "اگر تمام آزادی ها را به ما بدهند؛ تمام استقلال ها را به ما بدهند و بخواهند قرآن [روحانیت] را از ما بگیرند نمی خواهیم. ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن.... اسلام منهای روحانیت خیانت است (صحیفه امام ج 7 ص 486) - "اگر بجای اینکه او [محمد رضا پهلوی] رفت یک رژیم دیگر تحقق پیدا کند مثل رژیمی که در اروپا است مثل رژیم فرانسه.. که کاری به اسلام ندارد یک رژیم غیر اسلامی خیر؛ رژیم آزاد منشانه؛ رژیمی که استقلال هم داده؛ آزادی هم می دهد اما یک آزادی می دهد که وفق اسلام نیست ما همچو چیزی را نمی خواهیم و نمی خواهیم" (صحیفه امام ج 8 ص 42) - آزادی در چهارچوب فقه و حدود شرعی و قصاص معنی می دهد و هر کس حتی یکی از الزامات و یا ولایت را

نپذیرد مرتد و مستحق مرگ است . آیت الله خمینی : " از دست همین اشخاص که فریاد آزادی می کشند برای ملت ایران من بدبختی دارم ... ما آزادی در پناه اسلام می خواهیم اساس مطلب اسلام است " (صحیفه امام ج 7 ص 460) - باز می فرمایند : " اینها که می خواهند جوان های ما آزاد باشند ؛ چه آزادی می خواهند ؟ جوان های ما آزاد بشوند؟ قمارخانه ها باز باشد بطور آزاد ؛ مشروب خانه ها باز باشد بطور آزاد ؛ عشرت خانه ها باز باشد بطور آزاد ؟ هروئین کش ها آزاد باشند ؟ تریاک کش ها آزاد باشند؟ دریاها آزاد باشند؟ .. هر مفسده ای را می خواهند عمل کنند؟ " (صحیفه امام ج 9 ص 342) - (ولی فقیه می تواند با استفاده از اختیارات فوق قانونی در صورتیکه صلاح بدانند از سخن گفتن تمامی مقامات ممانعت نماید و لذا دستور داد " چون در سخنرانی های رئیس جمهور ؛ نخست وزیر ؛ رئیس دیوان عالی کشور ؛ رئیس مجلس شورای اسلامی گروههای منحرف و مخالف جمهوری اسلامی توطئه کرده و موجب فساد می شوند اینان تا پایان جنگ سخنرانی نکنند (مورخ 59/12/22 - مجموعه آثار ج 14 ص 202) و لذا کلیه آزادی ها ؛ قوانین و تعهدات در صورتیکه ولی فقیه صلاح بدانند تعطیل می شوند .

کرامت انسان : محوریت انسان و کرامت انسانی اصلی ترین و پایه ترین رویکرد دنیای مدرن و دمکراسی است در حالیکه در نظام ولایت فقیه ؛ انسان فاقد هر گونه ارزشی است و ارزش تنها مربوط به مرزهای تقدس و نظام مقدس است . و حتی زندگی انسان ها بی ارزش است : خمینی : "اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است (مجموعه آثار ج 8 ص 332) - آیت الله خمینی : اگر ما از مسئله قدس بگذریم ؛ اگر از صدام بگذریم .. نمی توانیم از مسئله حجاز بگذریم مسئله حجاز یک بابت دیگری است ... قضیه کشته شدن (زائران ایرانی) نیست قضیه هتک احترام است ... احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست .. من واقعا در مسائل خیلی تحمل داشتم ؛ در مسائل جنگ ؛ درهمه اینها تحمل داشتم ؛ اما این بی تحمل کرد من را ؛ مسئله غیر از این مسائل است . (صحیفه امام ج 20 صص 369 - 371) - از نظر آیت الله اهمیت جان ششصد هزار شهید دوران جنگ معادل ارزش از دست رفتن تقدس بیت الله الحرام را نداشته است . ایشان می فرمایند " از این مسائل [کشتارها] می پیش می آوردند لکن هر ضرری که به ما وارد میشد یک نفعی هم به همراهش بود بزرگتر ؛ یعنی ؛ ما عمده نظرم این بود که برای اسلام نتیجه بگیریم ما می خواستیم برای اسلام بهره برداری کنیم (صحیفه امام ج 19 ص 192) در کشته شدن های جوانان غیور ایرانی در جبهه های جنگ و در کلیه مراحل دیگر چون برای اسلام بهره برداری می شد ؛ اهمیتی نداشتند . باز می گوید : " [اعلیحضرت] با تاریخ اسلام مخالف است یعنی با اسلام ... این از این کشتارها بدتر است این با حیثیت رسول الله بازی کردن است " (صحیفه امام ج 3 ص 336) و لذا کرامت انسانی که پایه تمدن جدید است در حکومت دینی نه کرامت انسانی بلکه مقدسات دینی ارزشمندند و انسان ها برای عبادت مقدسات آفریده می شوند .

علم : آیت الله خمینی : " می گوئید مغزها فرار می کنند ؛ این مغزهای پوسیده بگذار فرار کنند این مغزهایی که برای اجانب کار کردند و این مغزهایی که جزو سازمان امنیت بودند بگذار فرار کنند شما برای آنها خیلی افسرده نباشید این مغزها باید فرار کنند مگر هر مغزی - که علم - بقول شما در آن بود این مغز شریف است؟ " (صحیفه امام ج 9 ص 204) آیت الله خمینی " این طبقه مردم [عامی] زود صالح می شوند اینها ؛ ما هر چه [مشکل] داریم از این طبقه ای است که ادعا می کنند که ما روشنفکریم و ما حقوق دانیم و ما - نمی دانم - طرفدار چی هستیم ؛ .. ما از اینها داریم صدمه می خوریم " (صحیفه امام ج 9 ص 12) و باز می فرمایند : " از مدرسه ها که کودکان ما ؛ جوانان ما ؛ در آنجا برای تحصیل رفته اند از آنجا انحرافات را شروع می کنند ... لهدا می بینید که از آن دبستان تا دانشگاه مرکز توطئه است " (صحیفه امام ج 14 ص 2) - " ترس آیت الله خمینی از دانشگاه مستقل : " خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه ای هم بالاتر است " (صحیفه امام ج 13 ص 418) - " وقتی دانشگاه ها بسته شد چه افراد مهم مخالفت کردند سابق وقتی دانشگاه دست ما نبود دیدید که چه حیواناتی بیرون می آمد " (60/4/2 صحیفه امام ج 14 ص 498) - " اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند این کار بیش از بیست سال طول خواهد کشید " (صحیفه امام ج 15 ص 409) ایشان قصد تعطیل دانشگاهها برای همیشه را داشت اما فشار و ضرورت اجتماعی وی را مجبور به بازگشایی دانشگاه کرد.

عدالت : " عدالت به معنای اجرای حدود اسلام و اجرای قصاص و حکم خداست آیت الله خمینی در مورد سلمان رشدی می گوید : " وقتی بحث از اجرای حکم و عدالت [اشاره به حکم قتل سلمان رشدی] بمیان می آید نوحه رأفت و انسان دوستی سر می دهند " (صحیفه امام ج 21 ص 290). و لذا مفهوم عدالت اجتماعی ؛ تأمین اجتماعی ؛ بیمه بیکاری و بازنشستگی ؛ حق تحصیل و درمان و غیره در حکومت دینی سیاسی بی معنی است و اگر امروز در جامعه ایران برقرار است مثل حق رأی زنان و یا بسیاری از حقوق دیگر اموری است که به حکومت تحمیل شده است

آرای مردم : اصولاً آنچه باید در نظر گرفته شود خداست ؛ نه مردم ؛ آیت الله خمینی : " اگر صد میلیون آدم ؛ اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنها حرفی می زنند که بر خلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید و لو اینکه تمام به شما بشورند انبیاء هم همینطور عمل کردند " (صحیفه امام ج 13 ص 53) - آیت الله : " قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از او اسلامی نباشد ... نه من رأی خواهم داد و نه ملت " یعنی رأی ملت در صورتی ارزشمند است که از رأی ولی امر مسلمین تبعیت نماید . آیت الله : " همه تان [نمایندگان مجلس خبرگان] یک چیزی بگوئید که بر خلاف مصالح اسلام باشد ؛ و کیل نیستید ؛ حرفتان قبول نیست ؟ ما به دیوار می زنیم آن حرفی را که بر خلاف مصالح اسلام است " (صحیفه امام ج 10 ص 221) - " بدون ذره ای ملاحظه ؛ باید این قانون اساسی مطابق شرع ؛ در چارچوب شرع باشد اگر یکی از و کلاه بخواهند از این چهارچوب خارج بشود اصلاً " و کیل نیستند طرح یک مسئله غیر اسلامی هر چه باشد هر چه مترقی باشد شما نمی توانید طرح کنید اگر رأی هم بدهد رأیش اگر خدای نخواست همه آقایان هم رأی بدهند به یک غیر اسلامی بر خلاف و کالتشان است " (صحیفه امام ج 9 ص 302) . " اگر مسائل اسلامی باشد ؛ اگر در رأی هم مخالف باشید ؛ باید تو سرتان زد " (صحیفه امام ج 14 ص 378) - " اگر تمام جهان بر علیه من قیام کنند از حق و حقیقت دست بر نمی دارم من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می افتد کاری ندارم من تنها باید به وظیفه عمل کنم " - (صحیفه امام ج 21 ص 331) آقای هاشمی رفسنجانی می بایست توأم بودن اسلامیت و جمهوریت با هزاران هزار آیه و حدیث و گفتار صریح فقهاء نشان دهد و فقط حدیث ؟ نقل شده توسط ابن طاووس را در خطبه نماز جمعه مستمسک قرار ندهد . اصولاً " جمهوریت به مفهوم نو در دوران عشیره ای قبیله ای اساساً مفهونی ندارد .

انقلاب : انقلاب نیز از پدیده های نو است در دوران قدیم ساختار جوامع بخصوص در جوامع عربی قبیله ای ؛ عشیره ای بوده و لذا آرای شخصی ؛ جمهوریت ؛ انقلاب ؛ جامعه مدنی و غیره کاربرد ؛ جایگاه و مفهومی نداشته است و همه چیز را از طرف خدا و عالم غیب فرض می کرده اند . و حکومت هم تنها بر اساس قدرت قبایل و شمشیر برقرار بوده و قبیله حاکم با شمشیر قدرت خود را به بقیه قبایل تحمیل می کرده ؛ مردان را می کشتند و یا به بردگی می گرفتند و زنان را به کنیزی می گرفتند ؛ و هر کس که دین و یا یک اصل از آنرا منکر می شد مرتد و مستحق مرگ می گردید . آیت الله خمینی در مورد انقلاب سال 57 ایران می گوید : " آنکه این قیام را درست کرده است [خداست] .. در سراسر ایران ایلاتی ها که اصلاً کاری به این کارها نداشتند ... بازار تهران هم که اصل بازارهاست در این امور دخالت نداشت .. دانشگاهها هم که کاری نداشتند ... جناح های سیاسی ... جناح های روحانی هم جرأت حرف زدن نداشت **جنود خداست که این کار را کردند امر خداست این کار مال بشر نیست** که بگوید پشتوانه ندارد این کار خداست (صحیفه امام ج 5 صص 38-39)

نحوه حکومت اسلام سیاسی : حکومت تنها بر مبنای شمشیر استوار و برقرار است . آیت الله خمینی می گوید : " این همان نصر به واسطه رعب است که خدا در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است .. هر کسی حرف پاسدار می شنود دشمنان ما ؛ منافقین ... شدیداً می ترسند آنها هم که در خارج نشسته اند از پاسداران ما در ایران می ترسند " (صحیفه امام ج 16 ص 247) - " اسلام احکام جنگ دارد اینقدر در قرآن راجع به جنگ با کفار و جنگ با اشخاصی که فاسد هستند در قرآن هست : شمشیر ها را بکشید و این علف های هرزه را قطعشان کنید اینها را قطعشان کنید یا آدمشان کنید " (صحیفه امام ج 4 ص 33) - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در آن زمان در محضر امام درس حکومت مداری تحت شرایط ترور را می آموزد : وی به امام می گوید : " مطلب جدیدی که در صحبت های امروزتان مطرح شده بود "النصر بالرعب الهی" مطلب خیلی خوبی بود که از آن غفلت کرده بودیم " (مورخ 59/1/12 صحیفه امام جلد 12 ص 223) خمینی " شما اسلام را به مردم بگویید ... شما سوره برائت را برای مردم چرا نمی خوانید [شدیدترین آیات در

مورد کشتار مخالفان در این سوره آمده می گوید همه آنها را بکشید تا فتنه ای باقی نماند [شما آیات قتال را چرا نمی خوانید ؟ هی آیات رحمت را می خوانید در آن قتال هم رحمت است برای اینکه می خواهد آدم درست کند آدم گاهی درست نمی شود فرض گاهی نمی شود الا بالکی [داغ کردن] **باید ببرند داغ کنند تا درست بشود** جامعه باید آنهايي که فاسد هستند از آن بیرون ریخته شوند " (مجموعه آثار ج 19 صص 138-139) . " اسلام در مقابل ظلمه ایستاده است [ظالم کسی که خواهان اجرای احکام شرعیه نباشد] حکم به قتال داده ؛ حکم به کشتن داده است و در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانیکه [طاغی] هستند احکام دارد حکم به قتال داده ؛ حکم به جهاد به اینهاست " (مجموعه آثار ج 3 ص 228)

"تنها یک دارالاسلام هست و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا است و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می شود و جز این هر چه هست دارالحرب است و رابطه مسلمانان با آن یا جنگ و پیکار است یا صلح بر مبنای پیمان امان (معالم فی الطریق الاتحاد اسلامی العالمی لمنظیبات الکلابیه ص 135) آیت الله خمینی " اگر شمشیر برای خدا بلند بشود و برای خدا پایین بیاید این انگیزه ؛ انگیزه الهی است ... ارزشمند است (مجموعه آثار ج 20 ص 202) ؛ و این شیوه اجرایی تمامی ارکان جمهوری اسلامی ایران در مدت سی ساله خود بوده است . سید علی خامنه ای : " کسانی بیایند و احکام و ضروریات دین را که از جمله ضروریات این قطعا قصاص اسلامی و شرعی است تجاهر کند این مرتد است و حکم مرتد هم در اسلام معلوم است (روزنامه کیهان 78/6/10) سرکوبی ؛ حذف و اعدام مخالفین جزو اولویت های کل مقامات حکومتی بوده است . آیت الله خمینی می گوید " باید با افراد شرور و ضد انقلابی برخورد شود و آقای هاشمی رفسنجانی ؛ جزایری امام جمعه و نخست وزیر معتقدند که **برخورد نمی تواند سیر طبیعی و قانونی خود را بنماید بلکه باید سریع اقدام گردد** و هیأتی مرکب از استاندار ؛ اطلاعات و دادستان و یا نمایندگانشان در آن استان اجازه داده شود تا به هر نحو که می دانند با دشمنان خدا برخورد نمایند " (مجموعه آثار ج 19 ص 425) - هر نوع مخالفتی با ارکان حکومت مستحق مرگ است : " اگر کسی بخواهد فساد کند ، به مردم بگوید این شورای نگهبان کذا ... این فساد است و مفسد است یک همچو آدمی باید تحت تعقیب مفسد فی الارض قرار بگیرد (صحیفه امام ج 14 ص 370) آیت الله خمینی : " ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری ... هر چه هم پریشان بشوید و هر چه هم بنویسید کاری از دست شما بر نمی آید ... من صلاحتان می بینم که دست بردارید از این حرف ها و از این توطئه ها و از این غلط کاری ها .. همانطور که توصیه به دموکراتها کردم به شما هم می کنم و شما و آنها را مثل هم می دانم منتهی شما ضررتان بیشتر از آنهاست این قدر حرف نزنید هر روز یک کاغذ بنویسید و هر روز یک نشریه بدهید " (صحیفه امام ج 10 صص 311-312) - " تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را کشته شویم تکلیف را عمل کرده ایم بکشیم هم تکلیف را عمل کرده ایم ... شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می کنید و او برای نابودی اسلام الان اسلام به تمام در مقابل کفر واقع شده است ... ابتدا " قضیه سازش در کار نیست ما اصلا " مذاکره نمی کنیم با اینها ؛ برای اینکه فاسد و مفسد هستند و ما با این اشخاص مذاکره نمی کنیم " مورخ 59/7/8 (صحیفه امام ج 13 صص 251-252) **آیت الله خمینی در مورد نحوه حکومت در صدر اسلام می گوید :**

و لازم به یادآوری است که در صدر اسلام نیز با توجه به نظام خشک و منجمد قبیله ای و عشیره ای پیامبر اسلام در عرض ده سال حکومت خود بیش از شصت بار به جنگ و لشکر کشی دست زد (اسلام شناسی دکتر شریعتی)

جنگ خارجی : طرح سیاست جنگ اسلام با کفر در کل دنیا ؛ بهترین هدایا؛ موقعیت ها ؛ فرصت ها و امتیارات و بهانه ها را در اختیار آمریکا و رژیم توسعه طلب اسرائیل قرار داد ؛ این سیاست ها برای آمریکا بهشت برینی در منطقه ایجاد کرد که پیامد آن حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس و کل منطقه ؛ فروش دهها و صدها میلیارد دلاری سلاح ؛ نفت ارزان برای نزدیک به سه دهه سیل قراردادهای اقتصادی با کل منطقه از طرف آمریکا و اعلام الحاق بلندی های جولان و حمله به لبنان و به ضعف کشاندن کل منطقه در برابر اسرائیل بود . این سیاست ها هر چند تمامی ثروت و منابع مادی و انسانی ایران را هدر داد اما برای حکومت ولایت فقیه جنگ جز خیر و برکت چیز دیگری نداشت ؛ بقول آیت الله خمینی : " هر روز ما در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم ... ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم " (صحیفه امام ص 283) - " ما باید مهیا بشویم برای جنگ ها ؛ ما قدرت داریم ؛ ما جوان ها داریم .. هر چیز را می توانیم پیش ببریم " (صحیفه امام جلد 13 ص 309) - " اینها که گمان می کنند اسلام نگفته جنگ جنگ تا پیروزی ... اشتباه می کنند قرآن می فرماید قاتلو هم حتی لا تکون فتنه [با کافران جهاد کنید تا فساد از روی زمین برطرف شود] همه بشر را دعوت می کند به مقاتله با فتنه یعنی **جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم** " (صحیفه امام جلد 19 ص 113)

در پناه جنگ به تصفیه خونین تمامی سازمان و احزاب و شخصیت ها دست زد " این اشخاص که ادعا می کنند و ادعا می کردند که ما طرفدار مظلومین طرفدار خلق هستیم فدائی خلق هستیم مجاهد ه برای مردم می کنیم .. بر آنها هم ثابت شد که اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شر آنها را بکند با یک یورش همه آنها را از بین می برد این هم یکی از خیراتی بود که برای ما در این جنگ تحمیلی حاصل شد ... لکن وقتی که جنگی در کار می آید و حماسه ای وجود پیدا می کند و تاریک می شود و روشن می شود روز و توپ انداخته می شود و اینها انسان را از آن خمودی و از آن حال سستی بیرون می کند " (صحیفه امام جلد 13 صص 246-247) بنظر آیت الله کشتن انسان ها هر چند میلیون نفر باشند اگر برای حفظ حکومت ولایت فقیه باشد هیچ گونه مانعی ندارد همچنانکه تمامی کشته های زمان جنگ و از بین رفتن زائران حج را بی اهمیت نامید - حجت الاسلام سید علی خامنه ای : میان یک رژیم اسلامی و یک رژیم کافر طاغوتی و میان حق و باطل مصالحه معنی ندارد صدام کوچکتر از آنست که لایق باشد ... ما با آمریکا و روسیه طرف هستیم (اطلاعات 59/7/7) - این جنگ ؛ جنگ قدرتهای بزرگ با اسلام است جنگ بین روسیه و سایر بدرت های مادی جنگ با جریان سومی که قرار است و می خواهد با برپایی یک انقلاب جهانی همه مستضعفان عالم را به رستگاری برساند (ج.ا 59/7/29) - رفسنجانی : اثر جنگ با بحال مثبت بوده است رویهم رفته از این جنگی که بر ما تحمیل شده ناراضی نیستیم .. من فکر می کنم این جنگ با اینکه بر ما تحمیل شده برای ما مفید است (کیهان 59/7/15) - رفسنجانی " دولتی بنام دولت اسرائیل در منطقه جایی ندارد " (روزنامه جمهوری اسلامی 60/5/7) آیت الله خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان و مروج فقه اثنی عشری : کسانی که از جنگ خسته اند ؛ فاسد و بی ناموس هستند آیت الله خمینی " شما چند نفر هستید مردم ایران که می گوید از جنگ خسته شده اید؟ ... اینها [مردم] که خسته نشده اند از جی خسته شوند ؛ از اسلام رو برگرداندند ؟ .. معنایش اینستکه ما از قرآن خسته شده ایم ؛ از اسلام خسته شده ایم ... **الایک اقلیت فاسد خسته هستند .. از چی خسته اند ؟ از دفاع از نوامیس شان خسته شده اند ؟ از دفاع از اسلام خسته شده اند ؟**"

نظامی گری : با توجه به نحوه حکومتی اسلام سیاسی که با رعب و وحشت ؛ کشتار و حذف و نسل کشی است نیروی نظامی عملاً در رأس امور مملکتی قرار می گیرد و بهمین لحاظ آیت الله خمینی فرمود " **اگر سپاه نبود کشور هم نبود** " و جنگ در داخل و خارج پایه اصلی برقراری و تداوم حکومت اسلامی بوده و همانطور که گفته شد حفظ نظام از هر اولویت و قانونی بالاتر است از اینجهت امور نظامی در حکومت اسلام سیاسی بالاترین بودجه تاریخ ایران را نیز داشته است و با توجه به روند سی ساله در حکومت اسلامی اینکه این نهاد نظامی آنقدر قدرت بگیرد که پای صاحب خود را هم گاز بگیرد و با مردم چنین رفتار نماید آیا دور از ذهن است ؟ و لذا آخرین کودتا به یک امر اتفاقی و توسط صدا و سیما بلکه نتیجه منطقی عملکرد سی ساله است یعنی چیزی را که آقای رفسنجانی امروزه از آن گله و شکایت می کند و بغض گلویش را می گیرد نتیجه و ساخته و پرداخته خود ایشان و ولی امر مسلمین وقت (آیت الله خمینی) و حجت الاسلام خامنه ای و دیگران سران حکومتی بوده است .

اهداف ادیان : قصاص : هدف آمدن ادیان اجرای حدود و قصاص است با اجرای قصاص و حدود شرعیه افراد خطا کار از بین می رود و این باعث تداوم افراد مؤمن می شود ؛ یعنی در حکومت دینی جامعه اساساً فاقد اصالت و اثر بخشی است و اثرات اجتماعی دیده نمی شود و تنها فرد است که مسئول است اگر فرد دچار فقر شده باشد بعلت تقسیم کار اجتماعی ناعادلانه نیست که فقیر شده و یا اگر خطایی کند تنها راهکار برای اصلاح وی و جامعه شمشیر است آیت الله خمینی : "همانطور که منافقین [مجاهدین خلق] اظهار اسلام می کردند و حال هم می کنند ؛ اسلام راستین می خواهند نه اسلامی که در آن حدود شرعیه جاری بشود ؛ نه اسلامی که در آن قصاص شرعی جاری نشود (صحیفه امام ج 17 ص 448) - جبهه ملی طی اطلاعیه با تصویب احکام قصاص ؛ آنرا بدرستی غیر انسانی نامید و فراخوان راهپیمایی داد آیت الله خمینی سخنرانی 60/3/25) ضمن محکوم کردن راهپیمایی جبهه ملی را مرتد اعلام کرد " جبهه ملی دعوت به راهپیمایی بر علیه لایحه قصاص داده .. تعبیر این بود که " لایحه غیر انسانی " [است] ملت مسلمان را دعوت می کند که در مقابل لایحه قصاص راهپیمایی کنند یعنی چه ؟ یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند ... لایحه قصاص همین مسائل قرآن است .. دعوت کرده اند که مردم قیام کنند در مقابل قرآن ! قیام کنند در مقابل احکام ضروریه اسلام لکن من کار دارم با آ«هایی که پیوند کرده اند با این جبهه پیوند کرده اند با منافقین ... اینکه کسی بگوید حکم خدا "غیر انسانی" است این کافر است .. جدا کنید حساب را از مرتدها ؛ اینها مرتدند **جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است** (صحیفه امام صص 448-464) - آیت الله خمینی " آیت الله خمینی : اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است ... اگر چهار تا دزد را دستش را ببرند در مجمع عمومی ؛ دزدی تمام می شود ؛ اگر چهار تا آدمی که به فحشاء مبتلا است آنرا شلاق بزنند در جامعه فحشاء از بین

می رود این حقوق دانها نمی فهمند ... اینها می خواهند حقوق بشر! توجه می دانی بشر چه هست تا حق بشر چه باشد! تو انسان را می شناسی تا حق انسان را بشناسی! (صحیفه امام ج 8 ص 332). در مجموع اهداف و اصل اسلام و حکومت دینی اجرای حدود شرعی و قصاص شرعی است.

اقتصاد: تفکر و جهان بینی آیت الله ها و مراجع تقلید در اقتصاد از محدوده فئودالیسم و تجارت بیشتر رشد نیافته و از درک الزامات دنیای جدید عاجز مانده اند و لذا مجموعه قوانین حقوقی و تجاری و اقتصادی از یک مجموعه ناسخ و منسوخ تشکیل شده و با مبانی تقدس مالکیت ارضی در اسلام بصورت یک کلاف سر در گم در آمده و دولت ها از هر نوع آن قادر به سر و سامان دادن به آن نیستند و نهایتا اقتصاد نه بطریق علمی بلکه با شمشیر قابل حل است. آیت الله خمینی: "مگر این انقلاب برای این بوده که یک خانه ای به مردم بدهد؟ یک کسب و کاری برای مردم ایجاد کند؟ این انقلاب برای خدا بود و برای اسلام (صحیفه امام جلد 13 ص 126) - ما برای شکم انقلاب نکردیم (صحیفه امام جلد 13 ص 107) مملکت اسلام از پانزده خرداد تا حالا بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده [این ازدروغ های آیت الله است زیرا آمار بنیاد شهید 2500 کشته را اعلام کرده است] و بیشتر از صد هزار معلول ما آلان داریم؛ اینها برای چه کشته شده اند؟ برای نفت بوده است؟ برای خانه بوده است؟ برای ارزانی بوده است.... همه می گفتند: ما اسلام را می خواهیم یعنی فقط ولی فقیه را می خواستیم (صحیفه امام جلد 13 ص 350) آیت الله: "دولت پشتیبان بازار و بازار پشتیبان دولت ما باید این انقلاب را چون امانتی نگه داریم" (صحیفه امام جلد 19 ص 182) - "اگر بنا باشد که بازارها همراه جمهوری اسلامی نباشند جمهوری اسلامی شکست می خورد" (صحیفه امام جلد 18 ص 274) - و باز می فرماید "بازار حظی وافر دارد؛ در همه امور سیاسی؛ امور اسلامی؛ امور اجتماعی این بازار است که می تواند تحولاتی ایجاد کند" - (صحیفه امام جلد 21 ص 365). آیت الله خمینی در جواب مبانی اقتصادی اسلام چیست می گوید: "ربا در اسلام حرام است و به هیچ شکلی در اقتصاد وارد نباید بشود و مالکیت در اسلام پذیرفته شده است... از معنویت نباید غافل بود که کلید دردهاست" [که به فقرا گفته شود کاخ نشینان سعادت مند نیستند؛ کوخ نشینان سعادت مندند] (صحیفه امام جلد 5 ص 437) - "هیچ من نمی توانم تصور کنم و هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند؛ ما خونهایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود؛ .. که خانه ارزان بشود... که مثلا کشاورزیمان چه بشود... برای اسلام است که انسان می تواند جانش را بدهد.. نه برای اقتصاد.. آنهایی که دم از اقتصاد می زنند و زیر بنای انسان را اقتصاد می دانند خیال می کنند که انسان هم یک حیوان است که همان خورد و خوراک است. الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصاد است" (صحیفه امام جلد 9 صص 449-450) "در مورد بانک می فرماید "اما مسئله بانک... چنانچه ربا از بانک حذف نشود... یک درهم ربا؛ شدتش بیشتر است از اینکه هفتاد بار زنا بکند کسی با محارم خودش؛ عمه خودش با خاله خودش؛ با خواهر خودش... ما نمی توانیم بگوئیم جمهورییمان اسلامی است؛ محتوای جمهوری اسلامی است" (صحیفه امام جلد 18 صص 433-434)

حل معضل اقتصاد و فقر با شمشیر: آیت الله خمینی به شاه می گوید "شما ما را اجازه دهید که مالیات اسلامی را به آنطوری که اسلام با شمشیر می گرفت بگیریم از مردم ما فقرا را غتی می کنیم آن وقت ببینید که دیگر یک فقیر باقی می ماند" (صحیفه امام ج 1 ص 392) -

احزاب و کثرت گرایی: آیت الله خمینی 59/12/15: "البته انحصار به این معنی که باید اسلام باشد و غیر اسلام نباشد همه ما انحصار طلبیم.. مسلمین همه انحصار طلبند پیغمبرها هم همه انحصار طلب بودند خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب است.. انحصار طلبی - فی نفسه - امر فاسدی نیست (صحیفه امام ج 15 صص 200-201) آیت الله خمینی: "اینطور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد [غیر از حزب الله] این حزب شیطان است هر اسمی هم داشته باشد بنابراین باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب الله کنیم (صحیفه امام ج 17 صص 193 و 194)

نفی ملیت: آیت الله خمینی: "ملی گرایی خلاف اسلام است... خواست این 35 میلیون جمعیت این بود که ما اسلام را می خواهیم این نبود که ما ملی گرا باشیم ملی گرایی بر خلاف اسلام است.... این بر خلاف دستور خدا و بر خلاف قرآن است (کیهان 59/3/4) سید قطب: ملی گرایی خلاف اسلام است (اصول گرایی و نظام بین الملل ص 71) آیت الله جواد آملی: "ماقبل از اینکه به کشورمان علاقه داشته باشیم به قرآن علاقمندیم قبل از اینکه به

خون و خاکمان علاقمند باشیم به ولایت علی و اولاد علی علاقمندیم" (حمید رسایی تخصص چرا و چگونه؛ نگاهی به خروش روحانیت در اعتراض به فتنه فرهنگی ص 182)-

تساوی زن و مرد: آیت الله خمینی: "ورود زنها به مجلسین و انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف است با قوانین محکم اسلام" (صحیفه امام جلد 1 ص 80)- "دستگاه جابر در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند؛ یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد... (صحیفه امام جلد 1 ص 53، 161) - "وظیفه دینی همه ماست که بگوییم و بخواهیم که قانون شرکت نسوان در انتخابات انجام نشود... از ده میلیون نفر جمعیت زن ایرانی فقط یکصد نفر زن هر جایی مایل است که این کار بشود" (صحیفه امام جلد 1 صص 82-83)- "ما می دانیم دست های جنایتکار عوامل استعمار می خواهند بر ضد قرآن قوانینی وضع کنند... از تساوی حقوق زن و مرد دم می زنند یعنی قرآن را زیر پا گذاردن یعنی مذهب جعفری را کنارزدن یعنی قرآن را مهجور کردن و بجای آن کتابهای ضاله [تورات و انجیل] قرار دادن؛ یعنی دخترها را به سربازخانه ها کشاندن و سایر کارهایی که که نوامیس اسلام و مسلمین را به خطر تهدید می کند.. این تساوی حقوق زن و مرد ملغاست آن از نظر بیست میلیون ایرانی مردود و محکوم است (صحیفه امام ج 1 ص آیت الله خمینی: سخنرانی 43/1/26: "مگر با چهارتا زن فرستادن در مجلس ترقی حاصل می شود؟... ما می گوییم اینها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست.. ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان مخالف نیستیم با این فحشاء مخالفیم؛ با این کارهای غلط مخالفیم (صحیفه امام جلد 1 ص 305)- زن ها را وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر اداره ای وارد شدند آن اداره فلج شد فعلا محدود است علما می گویند توسعه ندهید به استان ها نفرستید؛ زن اگر وارد دستگاهی شد اوضاع را بهم می زند؛ می خواهید استقلالتان را زن ها تأمین کنند (صحیفه امام جلد 1 ص 118)- نسوان حق مداخله در انتخابات را ندارند - اسفند 41 - کل آیات عظام کلیه مستدلات مطروحه توسط دولت برای حق رأی زنان را رد کردند (صحیفه امام جلد 1 ص 148)- نامه علمای اسلام به نخست وزیر علم: تصویب نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است" - (صحیفه امام جلد 1 ص 58)- اظهارات آیت الله در سال 57 و در آستانه انقلاب صد در جه تغییر می کند: زنها حکومت اسلامی آزادند؛ حقوق آنها مثل حقوق مردهاست (صحیفه امام جلد 15 ص 70)-

بخش چهارم: نقد خطبه های آقای هاشمی:

نقد و بررسی مبانی نظری: اعتقاد به اینکه نظام دینی و مافوق مردم می تواند یک نظام رؤف و رأفت باشد با شواهد تاریخی و مبانی دینی و نیز اظهارات رهبر انقلاب و ولی فقیه و همچنین آنچه در طول سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق افتاد در تناقض است؛ نظام دینی سیاسی به رهبریت در عمل اقداماتی کردند که شامل نسل کشی و جنایت بر علیه بشریت؛ اعدام ها؛ زندان و شکنجه و شلاق و ترور مبارزین در خارج از کشور و همچنین زندانی کردن دهها نویسنده بجرم نوشتن یک نامه خیرخواهانه بخود آقای هاشمی و قتل های زنجیره ای در مدت سی ساله بوده و آقای هاشمی به حکومت ترور و وحشت افتخار می کند و هیچکدام دل آقای هاشمی را بدرد نیاورد و همه با تأیید و حتی برنامه ریزی ایشان انجام شد و اینک ادعای رأفت و رحمت می کند این ریاکاری و فریبکاری با گلوی بغض گرفته ایشان با مبانی حکومت دینی و کل عملکرد سی ساله خود وی در تناقض است؛ همچنین آنچه که ایشان انتخابات آزاد و شکوهمند در همین نماز جمعه خواند با واقعیت ها و خواست مردم آزاده و شرافتمند در تضاد است و نظارت استصوابی شورای نگهبان پایه ای ترین حقوق انسانی را نفی می کند و تقدسی که ایشان برای همین قانون اساسی قائل هستند از نظر حقوقی و مردم؛ قانونی ضد بشری؛ ضد آزادی؛ دیکتاتوری و سرکوبگرانه است. و تنها عمل به قانونی ارزشمند است که در جهت منافع مردم و آزادی های اجتماعی و انسانی باشد و قانون اساسی موجود تأمین کننده منافع و حاکمیت مراجع تقلید؛ روحانیت؛ ولی فقیه؛ ارتجاع و ذوب شدگان در ولایت در یک نظام سرمایه داری و ضد مردمی است

بررسی علل بحران موجود از نظر هاشمی: عللی که ایشان بعنوان علت بحران کنونی میدانند و سر منشأ آنرا صدا و سیما قلمداد می کند و اظهار می کند که حتی ولی فقیه هم به شورای نگهبان فرصت و امکان حل داد اما شورای نگهبان؛ آنهم نه در کلیت خود بلکه شخصی که آقای هاشمی انتقادات را

به وی خلاصه می‌کند با واقعیات اجتماعی و تاریخی تطابق ندارد نظام جمهوری اسلامی از اولین روز حاکمیت خود نیاز به بحران داشت و با گسترش تعمدی بحران‌ها؛ از حل مسائل اصلی اقتصادی و اجتماعی طفره رفت زیرا قادر به حل آنها نبود و این مشکلات و معضلات امروزه آنقدر افزون شده که جز با یک جنگ خارجی و سرکوب داخلی امکان استمرار حکومت اسلامی وجود ندارد؛ باید به ایشان یادآور شد که دعوی جناح‌ها در انتخابات در این مقطع نه عامل بحران بلکه خود نتیجه و محصول بحران‌های عمیق اجتماعی - اقتصادی؛ سیاسی و فرهنگی دهه‌های گذشته می‌باشد. یعنی آقای هاشمی جای علت و معلول را جابجا می‌کند؛ تا بر عملکرد سی ساله خود سرپوش بگذارد.

راهکارهای حل بحران: مسلماً آقای هاشمی راهکارها را با تأیید عملکرد سی ساله حکومت اسلامی ارائه می‌دهد و بی‌اثر بودن راهکارهای ایشان از اینجا ناشی می‌شود که جای علت و معلول را جابجا می‌کند و بر عملکرد سی ساله مهر تأیید می‌گذارد. ایشان کتابی بنام عبور از بحران دارد و به اعتقاد خودشان و دیگر سران حکومتی از آزمون بی‌بعد؛ حکومت اسلامی همواره با بحران زندگی کرده و در فضاهای قبل از انتخابات همه جناح‌های حکومتی دارای تریبون بوده و امکان طرح مطالب خود از صدا و سیما داشته‌اند آیا می‌توان تصور کرد که اگر خودی‌ها اکنون امکان گفتگو داشته باشند به حل بحران‌ها فائق خواهند شد؟ چرا در این سی ساله که این اتحاد و گفتگو وجود داشت بحران‌ها حل نشده‌اند؟ پس با اجرای راهکارها بحران‌های اقتصادی - اجتماعی چند دهه ساله حل نخواهد شد و تنها شاید با فریب مردم و خاموش کردن آنها و ایجاد انتظارات دروغین بتوان به حیات جمهوری اسلامی تداوم بخشید کاری که آقای خاتمی در دوران ریاست جمهوری خود در مورد وعده‌های پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای؛ استقرار جامعه مدنی و غیره انجام داد.

گفته‌های جنبی خطبه‌ها: آقای هاشمی که با یک مخالف‌نمایی تلاش می‌کند کل جنبش و قیام مردمی را در دامنه خواست‌ها و مطالبات کوچک و سطحی قربانی کند در موارد جزئی و جنبی نیز بسیار هشیارانه و یا عبارتی بسیار ریاکارانه و مکارانه عمل می‌کنند؛ ایشان اظهار کرد که علمای ما همیشه پشتیبان مردم و نظام بودند چرا باید آنها اکنون برنجند؛ یعنی عملکرد آنها را تطهیر و کلیه اقدامات انجام شده را مهر تأیید می‌گذارد و وضعیت کنونی را به گردن رقبا می‌اندازد. مورد دوم: در خصوص تعجیل آیت‌الله خمینی در تصویب قانون اساسی ضد بشری و ارتجاعی و برپا کردن شورای نگهبان و ارکان نظام؛ در تحلیف اولین نخست‌وزیر - مهندس بازرگان - آنرا نشان مردمی و انسانی بودن رویکرد آیت‌الله خمینی قلمداد کند؛ و البته می‌توان این عجله را درست معکوس و در جهت فریب مردم و سوء استفاده از فضای داغ پس از دوران انقلابی دانست به بخشی دیگر از همین مراسم تحلیف اولین نخست‌وزیر که مؤید دیدگاه فریب‌کاری و ریاکاری است توجه نمایید. آیت‌الله خمینی: "من باید یک تنه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان [مهندس بازرگان] را حاکم کردم یک نفر آدمی هستم که **به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم...**ایشانرا که من قرار دادم واجب‌الاتباع است ملت باید از او اتباع کند یک حکومت عادی نیست یک **حکومت شرعی است..مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است؛ قیام بر علیه شرع است** قیام بر علیه شرع جزایش در قانون هست؛ در فقه ما هست؛ جزای آن بسیار زیاد است در فقه اسلام قیام بر ضد حکومت خدایی قیام بر ضد خداست قیام بر ضد خدا کفر است" (صحیفه امام ج 6 ص 59) آیا آقای هاشمی این بخش از سخنان که راست و پوست‌کننده جای شرع و مردم را علناً مشخص می‌کند نمی‌داند؟ غیر از آنستکه حکم را آقای هاشمی از دست آیت‌الله خمینی گرفت و رسماً قرائت کرد اظهارات آقای هاشمی در رابطه با حقوق مردم چه مفهومی دارد؟ ریاکاری؟ فریبکاری؟ شیادی؟ شیطان‌صفتی و یا فراموشی؟

مورد سوم: آقای هاشمی در دلجوئی از آسیب دیدگان هم اظهار می‌کند دل‌کسانی که **وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند** را به دست آوریم و ایشان با غیر وفاداران کاری ندارد. مورد چهارم: در مورد زندانیان نیز آگاهانه از بکار بردن کلمه زندانی سیاسی اجتناب می‌کند تا نسبت به زندانیان سیاسی قبل و یا کل زندانیان سیاسی کنونی از جمله مبارزین برابری حقوق زن و مرد؛ ملیت‌ها؛ کارگران مبارز؛ مبارزین برای دموکراسی و آزادی؛ امتیاز و تعهدی ایجاد ننماید. و اعتراف به زندانیان سیاسی را هنوز نمی‌پذیرد و حتی آزادی زندانیان خودی را نه بلحاظ رعایت حقوق و آزادی انسانی زندانی شده‌گان بلکه بعلت خنده دشمنان بیان می‌کند. و نهایتاً با تأکید بر قانون‌گرایی در چارچوب ولی‌فقیه و توصیه صبر به مردم معترض حفظ حکومت را بر منافع مردم معترض و بجان آمده در اولویت قرار می‌دهد؛ و بزبان بی‌زبانی ختم اعتراضات را اعلام می‌کند امری که بلافاصله با تظاهرات پر شور معترضین نقش

بر آب شد. مورد دیگر خارج کردن ولی فقیه از زیر ضرب و مقصر دانستن صدا و سیما و یک فرد در شورای نگهبان می باشد. آقای هاشمی سی سال است که در رأس نهادهای حکومت دین سیاسی قرار دارد و خوب آموخته که چگونه ریاکاری و فریب کاری کند که کمتر کسی متوجه شود؛ اما دیگر همه مردم مبارز و آگاه و زحمتکشان متوجه شده اند و خود تنها کسی است که خود را فریب می دهد و با تکرار دروغ توهم راستگویی بوی دست داده؛

واقعیت اینست که آقای هاشمی و جناح وی تلاش می کنند با گرفتن ژست های مخالفت در این طوفان جدید؛ بر روی موج سوار شوند و با توجه به اعتقاد ادغام در بازار جهانی سرمایه داری؛ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و با کاهش تنش در منطقه زنجیرهای اسارت بر مردم آزاده؛ زحمتکشان؛ کارگران و کارمندان؛ معلمان؛ مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی سفت تر و محکمتر کنند و در این راستا از همکاری و هماهنگی کسانی که از دوران حکومت اسلامی و یا از دوران قبل به یک سرمایه دار تبدیل شده اند و همچنین سرمایه داری جهانی غرق در بحران که آب از لب و لوجه اش برای بازار مصرف ایران جاری شده و از رسانه ها توسط کارشناسان و خبرگان شناخته شده و مواج بگیر و یا ساده اندیشان حمایت می شود. استفاده از نارضایتی مردم با مخالفت نمایی اما در واقع؛ تمامی آن گنداب ها فکری ضد بشری؛ ضد انسانی و ارتجاعی را آب طهارت ریخته و حکومت لجنزار و متکی بر سرنیزه هایی که گوشت و پوست مردم را دریده در این سی سال را مدینه فاضله نشانی دهد و این باز یک فریب بزرگ؛ ریاکاری و وارونه سازی می باشد و برنامه ای برای انحراف مردم بزرگ و مبارز ایران از تحقق خواست ها و مطالبات تاریخی خود می باشد. هر چند این درست است که مردم آگاه ایران از اجحافات؛ ظلم و ستم و دیکتاتوری و بی حقوقی و استثمار به تنگ آمده و جانشان به لب رسیده است و تلاش کردند با انتخاب فردی که منتخب ولی فقیه نباشد از کودتا جلوگیری کرده و اهداف ولی فقیه را نقش بر آب کنند؛ اما مطالبات و راهکارهای مردم ابداً" ربطی به آقای هاشمی رفسنجانی ندارد و با ریاکاری؛ خلاف واقع گویی و فریب کاری او کاملاً آشنایی دارند و برای تغییر وضعیت کنونی؛ اهداف و راهکارهای دیگری می اندیشند و با تشکل های مستقل خود در سراسر کشور حکومت آزادی و انسانی را بجای حکومت ولایت فقیه مطلقه خواهند نشانند و دموکراسی ریشه ای در سیاست و اقتصاد را پایه گذاری می کنند. انقلاب مردم ایران برای تغییر وضع موجود آغاز شده است. اما آیا امثال آقای هاشمی و سرمایه داری تجاری داخلی و جهانی قادر خواهد شد بار دیگر خواسته ها و مطالبات تاریخی مردم ایران را به بند کشیده و همانند انقلاب 57 به یک خواسته بی ارزش و میان تهی " ضدیت با شخص شاه " و نه حتی نظام سلطنتی تبدیل کنند؟ و دوره ای دیگر از اسارت مردم ایران را تدارک ببینند؛ اگر مردم ایران آگاهانه به تشکیل سازمان ها؛ تشکل ها؛ شوراهای و سندیکاهای مستقل خود دست زده و با برنامه و طرح های مناسب خواسته های و مطالبات تاریخی خود را به پیش ببرند آقای هاشمی و سرمایه داری حامی وی یا به دامن ولی فقیه یعنی سرمایه داری الیگارشسی - نظامی پناه می برند و یا وی مجبور است کشور را ترک نماید؛ شرایط حکومت دینی سیاسی و سرمایه داری در روند کنونی بسر آمده و تحقق مطالبات تاریخی در دستور مبارزه مردم ایران قرار دارد.

شاخص برای سنجش صداقت آقای رفسنجانی و یا هر فرد حکومتی: با توجه به نظام ضد بشری حکومت اسلامی و قانون ضد انسانی آن نمی توان هم در سلسله مراتب اجرایی و بالای حکومتی حضور داشت و هم در جنبش و انقلاب مردمی شرکت نمود و مسلماً بخش هایی از عوامل مؤثر و اجرایی در طول زمان با توجه به آگاهی و به عینیت رسیدن نتیجه اعمال خود و نظام ولایت فقیه از بدنه کارگزار جهل و سرمایه و فساد و چرک و خون بدر آمده و به سوی جنبش مردم آمده اند و دهها و صدها هزار نفر از متولیان حکومتی و یا پیرو ولی فقیه که به مسیر مبارزه در راه حقوق انسانی؛ دموکراسی و عدالت اجتماعی گام گذاشتند نه تنها از پست و امتیازات آن گذشتند بلکه به تناسب؛ هزینه های گاه سنگینی را هم پرداخت کردند که نمونه های بسیار زیادی هست که راهی زندان شدند و برخی محکوم به اعدام شدند و تغییر موضع اجتماعی؛ از ابتدای حاکمیت جمهوری اسلامی شروع شد و گاه مقامات بالا؛ از جمله جانشین ولی فقیه را هم شامل شد و پس از جدایی از حکومت؛ هر کدام به تناسب جایگاه طبقاتی و دیگر عوامل اجتماعی و شخصیتی در ارتباط با جریان مبارز قرار گرفتند مثلاً آیت الله منتظری هنوز حامی همین قانون اساسی است اما راجع به شخص ولی فقیه معتقد است که باید عادل باشد؛ در حالیکه نظام های اجتماعی؛ مدیریتی و سیاسی در دنیا دیگر نه راجع به افراد بلکه به ساختارها؛ تشکیلات؛ نظام های نظارتی؛ مشروط بودن کلیه مقامات سیاسی و سیستم های اجرایی؛ توزیع قدرت و اختیارات؛ دموکراسی مستقیم مردم و حق تصمیم گیری آنان تأکید می کنند و با این رویکرد اساس توزیع اختیارات؛ وجود آزادی های دموکراتیک؛ توازن و عدالت اقتصادی و غیرو تعیین کننده است و دانش امروز نسبت به اینکه اختیارات را در دست یک نفر

متمرکز شود؛ هر چند فرد صالح و خوبی باشد از اساس باطل و مطرود می داند و آقای هاشمی که یکی از ستون های ویرانه حکومت اسلامی است که در گیر بحران های اقتصادی؛ سیاسی؛ اجتماعی و فرهنگی شده است؛ بجهت مبانی فکری قرون وسطایی ایشان و هم پالگی ها ایشان بوده است؛ کودتا نتیجه مبانی فکری حکومت قرون وسطایی و متکی بر سرنیزه در سی سال اخیر می باشد نیروهای نظامی کودتاگر فعلی از زمین نجوشیده اند و از حکومت قبلی هم به ارث نرسیده اند در طی این سی سال متولد و تقویت شده اند؛ حکومت دینی سیاسی آنرا پر و بال داده است و آنها را به در صف اول حکومت نشاندند زیرا بدون آن قادر بحکومت نبوده اند و آنها هم طی سی سال؛ مردم مبارز؛ انسان های شریف؛ آزاده و زحمتکش و بهترین فرزندان مردم را بخاک و خون کشیدند و بساط حکومت را سر پا نگه داشتند اینک که روش های فعلی را ناکارا می بیند خود بفکر تسخیر حکومت افتاده اند آقای هاشمی!! وجدانا احمدی نژادها جز دست آموزهای مبتدی شما بوده اند؟ و اگر شما در این مقطع تصمیم به بیرون آمدن از حکومت سرکوب؛ خفقان و استثمار گرفته و آماده پیوستن به صفوف مردم را هستید؛ مراحل زیر را باید بپیمایید:

1- اذعان شما به ضد بشری بودن مبانی پایه ای و فکری نظام ولایت فقیه و اسلام سیاسی و نفی اسلام فقاهتی و تجدید فکری نسبت به آن و پذیرش اسلام با تعبیر دموکراتیک؛ تاریخی و عصری و امر شخصی و غیر دولتی

2- از تمامی سمت های خود استعفاء و آنها را ضد بشری و انسانی قلمداد کنید

3- نسبت به مبارزه و دادن هزینه جانی و مالی آمادگی یافته و بخصوص ثروت های کلان خود و خانواده را در راه رهایی و مبارزه مردمی صرف نمایید.

4- مسلما بعلت تأخیر در پیوستگی تان به مبارزه مردمی نسبت به کلیه جوانان و مبارزان؛ درانتهای صفوف مبارزان قرار خواهید گرفت و نسبت به رعایت اصول انسانیت؛ حقوق انسانی؛ آزادگی؛ صداقت؛ شفافیت مفهوم عدالت اجتماعی و...؛ می بایست دوره سنگین کارآموزی را بگذرانید.. مبارزات تا کنونی که مدعی آن هستید مبارزه نه در جهت امور فوق بلکه در جهت انحصار؛ سرکوب؛ ولایت فقیه؛ دیکتاتوری؛ غارت و چپاول دسترنج مردم و تربیت و پرورش جانیان؛ آدمکشانی امثال صدها احمدی نژادها بوده است و مسئولیت شما در پدید آمدن این وضعیت بسی سنگین می باشد مسلم

5- مسلم است که در صورت انجام شرایط فوق دادگاه های صالحه؛ مردمی و با رأفت و گذشت انسانی؛ و نه دادگاههای امثال خلخالی ها؛ گیلانی ها؛ حسینیان ها؛ ازه ای ها؛ خمینی ها؛ حدادها، مرتضوی ها و جلاادان مشابه که در نظام حکومت دینی جمهوری اسلامی براحتی کندن برگ چغندر حکم مرگ؛ سنگسار؛ اعدام؛ زندان و شکنجه صادر می کنند؛ به جرائم شما با رأفت ایرانی و مردمی رسیدگی خواهد کرد

بلند گویای نظام سرمایه داری جهانی؛ یعنی همان کسانی که با تصمیم گیری در کنفرانس گوادولوپ حکومت اسلامی را بر سر کار آوردند و اینک به جهت تغییر شرایط جهانی با آن مشکل دارند؛ شما را یک گزینه مناسب برای غارت سرمایه ها و منابع ما می دانند هم اکنون در خدمت شما قرار گرفته است سرمایه داران نیز که در این حکومت به جهت سرمایه های بادآورده و از رانت خواری و افزایش قیمت ها و تورم بصورت روزمره پروار شده اند در داخل یارو و یاور شما می باشند و هجویات مطرح شده جنابعالی در نماز جمعه را به عرش اعلاء می برند؛ ولی فقیه هم برای روزهای سخت تر به شما نیاز دارد حال باید انتخاب کنید:

یا مردم بجان آمده و مبارز

و یا تداوم خدمت به حاکمیتی که دستش بخون بیش از صد هزار مردم آزاده و بیگناه آلوده است و همپالگی های سرمایه داری

راه سومی وجود ندارد

رضا رفيعي

سي ام تير ماه 1388